



زنان و قدرت سیاسی

■ طیبه اسدی ■

امسال، سال نقش زنان در تصمیم گیری است.

سالی که یازده زن به سمت ریاست کشور و یا دولت انتخاب شده و بر مسند تصمیم گیری تکیه زده اند و یا به عنوان رؤسای احزاب، کاندیدای ریاست جمهوری شده اند، تعداد ذکر شده هر چند نسبت به تعداد کشورهای موجود در جهان اندک است ولی به نظر می رسد جهان به شرایط مطلوبی در پذیرش حضور زنان در عرصه قدرت رسیده است. ویژه زنان و سیاست در نظر دارد، صرف نظر از ارزیابی سیاست های درست و یا غلط آنان، شمار آنها با یوگرافی آنان آشنا کرده و توانمندی و نوع تجربه آنان را پیش روی شما قرار دهد. در این قسمت مدعی آن نیستیم که به همه زنان عرصه سیاست پرداخته ایم بلکه تنها بخشی از آنان مطرح شده اند.

مجله حقوق زنان

مبارزه کرده است. سوزان سونتاک در نوشته های خود از توجه به مسائلی سخن می گوید که برای رشد فردی و اجتماعی هر فردی از جمله زنان هر جامعه ای ضروری به نظر می رسد. زندگی خصوصی، قید و بند های آن و احساسات درونی و هر موضوع مربوط به فرهنگ و جامعه را. در سال ۲۰۰۰ سند اجلاس ویژه مجمع عمومی سازمان ملل پکن +۵ در بخش موانع حضور زنان در قدرت و تصمیم گیری اظهار داشت که علی رغم پذیرش عمومی مبنی بر لزوم ایجاد توازن جنسیتی در ارگان های تصمیم گیری در تمام سطوح، شکاف میان تساوی قانونی و برابری واقعی همچنان وجود دارد و مشارکت واقعی زنان در بالاترین سطوح ملی و بین المللی تصمیم گیری از زمان برگزاری چهارمین کنفرانس جهانی زن در سال ۱۹۹۵ تغییر قابل ملاحظه ای نکرده است و در سال ۲۰۰۵ پس از گذشت ۵ سال از تصویب سند پکن +۵ در هنگام ارزیابی ۱۰ ساله اجرای سند پکن باز هم عنوان شد که با وجود همه پیشرفت های صورت گرفته نرخ حضور زنان در دنیا در پست های قدرت و تصمیم گیری ۱۶ درصد است که افزایش بسیار ناچیزی به شمار می رود.

با اینکه پدیده جهانی شدن و فن آوری اطلاعات و ارتباطات، فعالیت شبکه های ملی و بین المللی حمایت از حقوق زنان و عوامل دیگر باعث رشد آگاهی زنان از جایگاه، موقعیت و هویت اهداف و برنامه های خود شده اما

تقریباً ۱۰۰ سال پیش ویرجینیا ولف در حالی که اضطراب و یأس زندگی اش را به مخاطره انداخته بود و تلاطم های روحی همواره در زندگی او چایی ثابت برای خود باز کرده بود در کتاب با ارزش "اتاقی از آن خود" نظریات و نکاتی را در مورد شناخت هویت زنانه، بر هم ریختن عرف های نادرست فرهنگی، کسب استقلال اقتصادی، داشتن خلوتی به دور از هیاهوی خانه داری و همسر داری ابراز نمود که با گذشت سال های متمادی هنوز هم بدیع و خلاقانه محسوب می شوند.

در آوریل ۲۰۰۴ سوزان سونتاک در یکی از سخنرانی های خود به هنگام دریافت جایزه ادبی سالانه کتابخانه عمومی لوس آنجلس در پاسخ به این سؤال که یک نویسنده چه کارهایی باید انجام دهد عنوان کرد: "خیلی چیزها؛ عاشق کلمات بودن، رنج کشیدن بر سر جملات و توجه کردن به جهان." به اعتقاد وی یک رمان نویس بزرگ کسی است که چیزهای زیادی درباره پیچیدگی های جهان اطراف می داند. پیچیدگی های جامعه و زندگی خصوصی، قید و بند های خانوادگی، احساسات خانوادگی، قدرت اروس و سطوح مختلف احساسات و کشمکش ها. تقریباً همه چیز فرهنگ فاسد مان را.

این کلمات بر زبان زنی می آید که جغرافیای هویت زنانه را کم و بیش در نور دیده و با موانع و سنت هایی که در تار و پود زندگی هر زنی پیچیده شده،

هنوز اثر گذاری سیاسی موضوعی است که در مقایسه با سایر حوزه‌ها به دور از تصرف زنان باقی مانده است. مطالعه مختصر آمار حضور زنان در سطوح قانون گذاری، وزارت، معاونت وزیر و مدیران موسسات اقتصادی و اجتماعی نشان می‌دهد که هنوز نقش‌های جنسیتی زنان و مسئولیت‌های خانوادگی عامل بسیار مهمی در عدم ورود زنان به این حوزه بسیار مهم و تأثیر گذار است.

مدت زمان زیادی می‌گذرد که تلاش زنان برای کسب جایگاه و حقوق برابر با مردان در گوشه و کنار دنیا آغاز شده است و زنان در هر زمینه‌ای تلاش کرده‌اند تا مرزها و موانع قانونی، عرفی و فرهنگی نادرست را برای دستیابی به جایگاه برابر با مردان در هم بشکنند.

بدیهی است لزوم حضور زنان در صف مقدم همه بخش‌های فعال اجتماعی و تمام سطوح مدیریتی واقعی است که ضرورت خود را در طی این سال‌ها بر همه نمایانده است.

جای هیچ تردیدی نیست که در ورای هر نوع جنبش حق طلبانه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی زنان بیش‌تر تقاضای انقلاب فرهنگی به معنی وسیع کلمه نهفته است که در واقع دگرگونی در هنجارها و ارزش‌ها است. در عرصه سیاسی اگرچه تلاش‌های بسیاری از سوی زنان و فعالان زن به منظور برابری با مردان صورت گرفته است، اما تقریباً در همه جای دنیا نظام سیاسی هنوز مردسالار و مردانه باقی مانده است. علیرغم برگزاری انتخابات همگانی رابطه نیروهای سیاسی عملاً تغییر نکرده است و زنان بیشتر در سطح انتخاب کنندگان باقی مانده‌اند تا اینکه در رأس هرم‌های قدرت و یا صاحب نفوذ قرار گیرند. معمولاً در این نظام مردسالار همان کارگزاران سابق مشغول به کار هستند و طبیعتاً بیشترین تأثیر را هم بر تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها دارند و زنان فعال و صاحب نفوذ در این نظام به علت قلت تعداد و کمی تجربه نتوانسته‌اند آنچنان که باید تأثیر گذار باشند. زنان معمولاً به دلیل دور ماندن از صحنه سیاسی فاقد مهارت‌های لازم برای مدیریت و رهبری هستند. اما ناگفته نماند عرصه سیاسی عرصه‌ای است که نیازمند تجربه مداوم و طولانی است و تنها تجربه است که می‌تواند امکان تصحیح و گشایش راه‌های جدید را ارائه دهد.

در ابتدا جنبش زنان اگرچه خواستار برابری حقوقی و قانونی در همه زمینه‌ها بودند اما بیش‌ترین توجه آن‌ها به حقوق فردی و اجتماعی معطوف بود. در بحث مشارکت سیاسی نیز بیش‌تر موضوع کسب حق رأی مورد تأکید قرار می‌گرفت. می‌توان گفت در سال‌های اخیر است

که زنان برای به دست گرفتن قدرت سیاسی و انتخاب شدن تلاش خود را آغاز کرده‌اند. به دلیل اینکه دریافته‌اند تا هنگامی که قدرت سیاسی در دست مردان باقی بماند امکان اصلاح و تغییر در



○ برای تحقق یک دگرگونی اساسی، صرفاً تغییر کمی در نظام مردسالاری کافی نیست. بلکه باید اکثر زنان بتوانند به همه سطوح مدیریتی و پست‌های حساس و تأثیرگذار اقتصادی، سیاسی و فرهنگی دست یابند.



سایر حوزه‌ها مانند حوزه‌های اجتماعی نیز سلب و یا محدود خواهد شد. از این نکته نباید غافل بود که برای تحقق یک

دگرگونی اساسی، صرفاً تغییر کمی در نظام مردسالاری کافی نیست. بلکه باید اکثر زنان بتوانند به همه سطوح مدیریتی و پست‌های حساس و تأثیر گذار اقتصادی، سیاسی و فرهنگی دست یابند. علاوه بر این زنانی که به این سطوح می‌رسند باید از نگرشی زنانه و یا حساس به مسائل زنان برخوردار باشند تا بتوانند ارزش‌های نظام مردسالار موجود را تشخیص داده و در جهت رفع آنان گام بردارند. در کشور آمریکا برای اولین بار اکثر رأی دهندگان اعلام کردند که از یک زن به عنوان رئیس جمهور حمایت می‌کنند. در ماه مه ۲۰۰۵ نظر سنجی یو اس ای تو دی، سی ان ان و مؤسسه گالوپ نشان داد که ۷۰ درصد پاسخ دهندگان به احتمال زیاد به یک زن به عنوان رئیس جمهور رأی خواهند داد. که البته این اظهار نظر مهم در نتیجه حضور دو زن قدرتمند در عرصه سیاست آمریکا در سال‌های اخیر، هیلاری کلینتون و کاندولیزا رایس صورت گرفته است.

از سوی دیگر سال گذشته مجله فوربس در فهرست قوی‌ترین زنان دنیا در سال ۲۰۰۵ مقام اول را به کاندولیزا رایس و مقام بیست و ششم را به هیلاری کلینتون داده است. نفرت بعدی این فهرست به ترتیب، ووای، معاون نخست‌وزیر چین و یولیا تیموشنکو، نخست‌وزیر اوکراین هستند. معیار مجله فوربس برای انتخاب زنان قدرتمند، ترکیبی از پوشش رسانه‌ای و تأثیر اقتصادی بوده است.

بررسی مختصر فعالیت و سرگذشت زنان سیاستمدار در سراسر دنیا نشان می‌دهد که ورود در احزاب و توجه به رویدادهای سیاسی نقش بسیار مهمی برای کسب کرسی‌های پارلمان و یا تکیه زدن بر پست‌های تأثیر گذار داشته است. حضور مداوم و مستمر این زنان در احزاب سیاسی کشورشان بدون تردید اهرم مؤثری برای پیشروی به سوی مناصب سیاسی و مدیریتی کلان بوده است. به طور مثال هیلاری کلینتون علاوه بر برخورداری از حمایت خانوادگی از بدو ورود در عرصه‌های اجتماعی کار سیاسی خود را نیز آغاز کرد. به عبارت دیگر زندگی سیاسی وی از دوران دانشجویی آغاز گردید.

نکته مهم تر اینکه دستیابی به قدرت به تدریج از قالب وابستگی به خانواده سیاسی و یا حزبی درآمده و بیش‌تر مبتنی بر توانمندی‌های فردی، اجتماعی و سیاسی آنها است. بهره‌مندی از حمایت خانواده پدر یا شوهر برای فعالیت‌های سیاسی تا حدی توانسته است یکی از فاکتورهای تعیین کننده برای زنان جهت ورود در حوزه‌های سیاسی باشد. این سنت بیش‌تر در کشورهای کم‌تر دموکراتیک رواج دارد. چنانچه ایندیرا گاندی

فعالیت سیاسی خود را مدیون نام و شهرت پدرش است و بابتی نظریه‌ی تو با حمایت‌های پدر خود تا سطح سیاست‌گذاری ارتقاء یافته است. گلوریا آریونیزو فرزند رئیس‌جمهور سابق فیلیپین است. ناگفته نماند که در طول سال‌های اخیر این معیار کم‌تر ایفا‌کننده نقش و تأثیر گذار بوده است. تنها استثنا در این میان کاندولیزا رایس است که بر خلاف هیلاری هرگز ازدواج نکرده و موفقیتش را از طریق حمایت یک مرد قدرتمند به دست نیاورده است بلکه پیشرفت او مدیون خصلت‌های شخصی و توانایی‌ها و شایستگی‌های فردی خود اوست. البته رایس در خانواده‌ای تحصیل‌کرده و بسیار بلند پرواز و جاه طلب بزرگ شده که از هیچ کوششی برای تربیت و آموزش تنها فرزندان‌شان فروگذار نکردند. به گفته خود رایس والدینش او را متقاعد کرده بودند که اگر نتواند در رستوران وول ورت به دلیل سیاه‌بودنش همبرگر صرف کند اما می‌تواند رئیس‌جمهور آمریکا باشد. بر خلاف هیلاری، رایس در دوران کودکی و جوانی خود در هیچ انتخاباتی شرکت نکرد. بلکه این دوران را پیش‌تر صرف خودسازی می‌کرد.

در نهایت اینکه سال ۲۰۰۵ رویدادهای سیاسی قابل توجهی را برای فعالان زن در تاریخ خود جای داد. از جمله قدرت گرفتن ۴ زن سیاستمدار که عبارتند از آن جان سرلیف، میشل باشلت، تاریا هالونن و ماریو کارمو سیلویرا. انتخاب این افراد در جایگاه قدرت و تصمیم‌گیری خود نشان از افزایش توجه به حضور زنان در عرصه سیاسی دارد. زنان باید بدانند که برای به دست گرفتن قدرت، مدیریت و رهبری در جامعه خویش نیازمند حضور قوی و مؤثر در همه سطوح به ویژه عرصه‌های سیاسی هستند. لذا توجه به سیاست‌گذاریها و برنامه‌ریزیهای عالی و روند امور سیاسی همینطور افزایش تخصص و مهارت در این زمینه پلکانی است برای ورود در سازوکارهای قدرت.

در هر حال نباید از تلاش برای ایجاد زمینه‌های عملی جهت حضور زنان در عرصه سیاست و فرهنگ‌سازی عمومی برای پذیرش نقش و قدرت زنان در سطوح بالای تصمیم‌گیری که وظیفه اولیه دولتهاست غافل شد.

مارگارت تاچر

نخست وزیر انگلیس و مشهور به زن آهنین. وی در سال‌های ۱۹۷۹ تا ۱۹۹۰ پست نخست وزیری انگلیس را در دست گرفت و با سیاستمداری تمام در زمینه سیاست خارجی با احساس ملی‌گرایی افراطی تلاش کرد تا انگلیس را از اروپا جدا کند. میراثی که تا به امروز و تا زمان

تونی بلر ادامه دارد. تاچر در سال ۱۹۲۵ در شمال میدلندز در گرانتهم انگلیس به دنیا آمد. وی دختر کوچکی یک فروشنده به نام آلفرد رابرتز بود که علاوه بر فروشنده‌گی چند پست سیاسی نیمه



○ این اعتقاد که «زن به آسپزخانه و بچه‌ها تعلق دارد نه به اجتماعات انتخاباتی یا کرسی ریاست مجلس» هنوز به قوت خود باقی است. رسانه‌ها اغلب همین که زنان وارد دنیای سیاست می‌شوند آن‌ها را در معرض حملات لفظی شدید قرار می‌دهند.



وقت نیز داشت و پس از آن به سمت نمایندگی شهر نیز انتخاب شد. در طی آن سال‌ها مارگارت تاچر تحت تأثیر پدر خود توجه خاصی به امور

معیشتی، اقتصادی و آموزشی داشت.

تاچر پس از تحصیل در رشته شیمی در دانشگاه آکسفورد به دلیل علاقه به امور سیاسی اولین بار در انتخابات سال ۱۹۵۰ پارلمان شرکت نمود. اما نتوانست به پارلمان راه یابد. سپس به خواندن حقوق مشغول شد. در سال ۱۹۵۱ با دینیس تاچر که یک بازرگان موفق و صاحب یک کارخانه ساخت رنگ و محصولات شیمیایی بود ازدواج کرد. این ازدواج باعث شد تا وی فارغ از تفکر در مورد درآمد روزانه به تحصیل علم و سیاست بپردازد. نخستین سمت تاچر در پارلمان نمایندگی ارشد امور بازنشستگان بود که این پست را تا زمان پیروزی حزب کارگر در سال ۱۹۶۴ حفظ نمود. در زمان دولت ادوارد هیث، رئیس حزب کارگر، چند پست مختلف را در دولت به دست آورد. با بازگشت محافظه کاران به قدرت در سال ۱۹۷۰ به سمت وزارت امور آموزش و پرورش ارتقاء یافت. در سال ۱۹۷۹ به مقام نخست‌وزیری دولت انگلیس دست یافت. سپس با پیروزی رونالد ریگان در سال ۱۹۸۱ در آمریکا به یکی از متحدان نزدیک ایالات متحده تبدیل شد. یکی از مهم‌ترین وقایع دوره زمامداری وی جنگ فاکلند بود که در سال ۱۹۸۲ رخ داد و با حمایت سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا تاچر توانست ارتش انگلیس را روانه جزایر فاکلند در آرژانتین نموده و آنجا را به نام انگلیس در آورد. در انتخابات سال ۱۹۸۳ دوباره به سمت نخست‌وزیری انتخاب شد و سرانجام در سال ۱۹۹۲ یا حضور جان میجر از قدرت کناره‌گیری نمود.

تاریا هالونن

۶۲ ساله و متمایل به چپ است که در انتخابات فنلاند ۴۶۳ آرا را به خود اختصاص داد. در دور اول انتخابات رقیب وی تنها ۲۴ درصد آرا به دست آورد و در دور دوم که در ۲۹ ژانویه ۲۰۰۶ برگزار شد با اختلاف آرای کمی توانست در مقابل آقای ساوولی نینیسو به پیروزی برسد و شش سال دیگر در سمت رئیس‌جمهور فنلاند باقی بماند. وی حقوق‌دان است و مردم فنلاند به دلیل سادگی و سطح متوسط زندگی او راه شدت دوست دارند. خانم تاریا هالونن کاندیدای سوسیال دموکرات‌ها و اتحاد چپ بود و ساوولی کاندیدای حزب ائتلاف ملی. جالب اینکه شش سال پیش نیز هالونن به همین سختی و با اختلاف ناچیزی بر رقیب خود پیشی گرفت. گفتنی است که تاریا هالونن یازدهمین رئیس‌جمهور فنلاند است.

میشل باشلت

اولین زنی است که به مقام ریاست جمهوری شیلی دست یافت. میشل باشلت در دور دوم

انتخابات ریاست جمهوری که در ۱۵ ژانویه ۲۰۰۶ برگزار شد توانست گوی سبقت را از رقیب خود سباستین پینه را برده و با ۴۵/۸ آرا کاندیدای حزب مخالف را با کسب ۲۵/۷ درصد آرا پشت سر گذارد. پینه را یک میلیارد دلار از جناح میانه رو محافظه کار شیلی است.

اما میشل باشلت دختر یک ژنرال نیروی هوایی در زمان دیکتاتوری اگوستو پینوشه ۱۹۷۳-۱۹۹۰ است که تا سرحد مرگ مورد شکنجه قرار گرفت. میشل باشلت که یک پزشک و وزیر سابق دفاع شیلی است به مردم شیلی قول داده است تا نظام خصوصی مستمری بگیران را به طور کامل اصلاح کند و برنامه های حزب سوسیال لیبرال و سیاست های اقتصادی بازار آزاد را ادامه دهد.

حمایت از یک زن مستقل نظیر میشل باشلت در کشور ۱۶ میلیون نفری شیلی نشان دهنده یک تغییر اساسی در ارزش های این کشور سنتی و محافظه کار است. در جامعه ای که مردسالاری بسیار رواج دارد، با وجودی که حزب مخالف وی در میان مردم شیلی از محبوبیت بسیاری برخوردار بود اما حزب چپگرای باشلت برای اولین بار به طور قاطعانه در انتخابات مجلس نمایندگان و سنای شیلی که به طور همزمان با انتخابات ریاست جمهوری برگزار شد پیروز گردید و کنترل کنگره این کشور را به دست گرفت.

باشلت قول داده است که در زمان ریاست جمهوری خود به سیاست سوسیالیستی میانه گرای لاگوس ادامه خواهد داد. در حال حاضر اکثر کشورهای آمریکای لاتین نظیر آرژانتین، برزیل، اوروگوئه و ونزوئلا رهبران چپ گرا دارند.

الن جانسون سرلیف

معروف به بانوی آهنین لیبریا و نخستین رئیس جمهور زن در این کشور و قاره آفریقا است. وی اقتصاد دان و یک سیاستمدار کهنه کار و تحصیل کرده دانشگاه هاروارد است که مدتی نیز به دلایل سیاسی زندانی شد و دوبار مجبور به فرار گشت.

الن جانسون زن مطلقه ای است که شوهرش مرده و از اهالی قبیله کرو است. موفقیت وی مدیون توانایی ها و قابلیت های او در جامعه مردسالار آفریقا بوده است.

در انتخابات سال ۲۰۰۵ سرلیف ۵۹/۴ درصد از آرای انتخابات را به خود اختصاص داد. این انتخابات نخستین انتخابات در لیبریا از زمان پایان جنگ ۱۵ ساله داخلی بود. رقیب وی آقای وه آ ستاره سابق فوتبال جهان بود.

پیش از این انتخابات وی سمت وزیر دارایی را

در اختیار داشت. صرف نظر از آگاهی و تجربیات اقتصادی خانم سرلیف عامل موفقیت او در جامعه مردسالار آفریقا جنسیت او بوده است نه پیشینه قومی و یا هر عامل دیگری. الن جانسون سرلیف



○ حمایت از یک زن مستقل
نظیر میشل باشلت در کشور
۱۶ میلیون نفری شیلی نشان دهنده
یک تغییر اساسی در ارزش های
این کشور سنتی و محافظه کار است.
در جامعه ای که مردسالاری
بسیار رواج دارد.



قصد دارد تا اوضاع لیبریا را برای همه مردم مساعد کند و هر چیزی را در جای صحیح خود قرار دهد. به اعتقاد وی پیروزی او در انتخابات ریاست

جمهوری باعث افزایش مشارکت زنان نه تنها در لیبریا بلکه در سراسر قاره آفریقا می شود. یکی از حامیان و طرفداران خانم سرلیف حزب اتحاد یکی از احزاب داخلی لیبریا بود.

این اقتصاد دان سابق بانک جهانی و سیاستمدار کهنه کار که به بانوی آهنین شهرت یافته است قول داده تا به عنوان رئیس جمهور و جبهه ای نو و ملایم تر از خود به نمایش بگذارد. الن جانسون سرلیف بعد از انتخاب شدن در حضور وزیر خارجه آمریکا و همسر جورج بوش مراسم تحلیف خود را به عنوان نخستین رئیس جمهور زن لیبریا و تاریخ آفریقا به جای آورد. شرکت کاندولیزا رایس، وزیر خارجه ای آمریکا و لورا بوش، همسر جورج بوش، رئیس جمهوری آمریکا در مراسم سوگند الن جانسون سرلیف، رئیس جمهور لیبریا از حمایت قاطع و اشنگتن از اقتصاد دان تحصیل کرده دانشگاه هاروارد حکایت دارد.

لیبرایی ها که به خوبی به تاریخ آمیخته با جنگ، آشوب و تخریب کشورشان واقفند از رئیس جمهور منتخب خود که مادر الن لقب داده شده انتظارات بسیاری دارند.

در مراسم تحلیف الن جانسون سرلیف، همزمان با ورود لورا بوش و کاندولیزا رایس، دو ناو جنگی آمریکا به تامین امنیت ساحل مونرویا پرداختند. گفته می شود حمایت آمریکا از الن جانسون سرلیف با هدف بهره برداری از منابع نفتی لیبریا صورت می گیرد.

گلوریا آریو

متولد ۱۹۴۷ و فرزند رئیس جمهور سابق فیلیپین رسیدادو پاگان ماگاپاگال است. او دکترای اقتصاد از دانشگاه مانیل دارد. اولین مرحله ورود وی به دنیای سیاست مربوط به انتخابات سال ۱۹۹۲ سنا است. سپس در سال ۱۹۹۵ با کسب ۱۶ میلیون رأی مجدد سناتور شد که در آن زمان بالاترین میزان رأی در تاریخ فیلیپین به شمار می رفت. در سال ۱۹۹۸ با ۱۳ میلیون رأی به سمت معاونت رئیس جمهور برگزیده شد که این رکورد نیز در تاریخ فیلیپین بی نظیر بود. و در سال ۲۰۰۱ در تاریخ ۲۰ ژانویه با سوگند در برابر قاضی اعظم فیلیپین پست ریاست جمهوری را در دست گرفت. در هنگام انتخابات ریاست جمهوری فیلیپین بر اساس نظرسنجی ها رقابت بسیار فشرده ای میان "گلوریا آریو"، رئیس جمهور فعلی این کشور و ژوزف استرادا وجود داشت.

خانم گلوریا ماگاپاگال آریو در ماه می ۲۰۰۴ برای دومین بار به ریاست جمهوری فیلیپین برگزیده شد. در این انتخابات او در مقابل سناتور راتل روکو و سناتور بانفیلو لاکسون و مهم ترین رقیبش

فرناندو پوئه از بهترین دوستان استرادا رقابت کرد و در نهایت با کسب ۴۱ درصد آرا پیروز شد. وی در زمان انتخاب اعضای کابینه خود ۴ زن را در پست‌های حساس و تأثیر گذار گمارد. اما بعد از گذراندن یک دوره سخت ریاست جمهوری گلوریا آریو بار دیگر خود را برای گرفتن این پست در دوره آینده نیز آماده می‌کند. "فرناندو پو" دوباره جدی ترین رقیب وی در انتخابات ریاست جمهوری ۱۰ مه ۲۰۰۶ است. فرناندو پو یک هنرپیشه معروف فیلیپینی است و تلاش می‌کند تا با تکیه بر این امتیاز رای مردم عادی این کشور را به خود اختصاص دهد. لازم به ذکر است که پیش از گلوریا آریو، یک هنرپیشه دیگر به نام "جوزف استرادا" پست ریاست جمهوری فیلیپین را در دست داشت.

یولیا تیموشنکو

زنی است که در انقلاب نارنجی اوکراین از سوی طرفدارانش به الهه انقلاب معروف شد. در حالی که به نظر مخالفانش فرشته عذاب است و نه چیز دیگر. زنی که تنها در عرض چند سال به یک میلیاردر و نخست وزیر یکی از بزرگ ترین کشورهای اروپایی تبدیل شد. متحد اصلی ویکتور یوشنچنکو رئیس جمهور جنجالی اوکراین توانست رأی ۳۷۳ عضو پارلمان ۴۵۰ نفری این کشور را برای نخست وزیری از آن خود کند. انتصاب خانم یولیا تیموشنکو به عنوان نخست وزیر دولت جدید اوکراین زمانی صورت گرفت که ویکتور یوشنچنکو، رئیس جمهور منتخب اوکراین به منظور بهبود روابط با روسیه به این کشور سفر کرد.

اما چندی نگذشت که اختلافات میان رئیس جمهور و نخست وزیر بالا گرفت. به گونه ای که محبوبیت تیموشنکو خطری برای رئیس جمهوری تلقی شد، به علاوه اختلاف عقاید تیموشنکو با یوشنچنکو بر سر مسائل اقتصادی و افزایش روزافزون محبوبیت وی در برابر رئیس جمهوری، روابط این دو نفر را خدشه دار کرد و روابط مستحکم آنان را به عنوان دو هم پیمان قدرتمند انقلاب نارنجی به هم زد. بنابراین یوشنچنکو به اتهام اینکه وی به جای توجه به آرمان های انقلاب، بیش تر وقت خود را صرف دعوای سیاسی می‌کند و نیز با اشاره به اینکه تیموشنکو در کنار آن دسته از نهادهای اقتصادی قرار گرفته که به اقتصاد اوکراین ضربه می‌زند، او را از مقام نخست وزیر برکنار کرد.

اما تیموشنکو معتقد بود که رئیس جمهوری به این دلیل او را از نخست وزیری برکنار کرده که از محبوبیت وی می‌ترسیده است. در حال حاضر در

پارلمان تیموشنکو ۴۱ نماینده و تیم یوشنچنکو که از سه گروه حامی وی تشکیل شده ۹۶ نماینده دارد. این در حالی است که روزبه روز به تعداد اعضای گروه تیموشنکو افزوده شده و از اعضای



○ یولیا تیموشنکو
که توسط ویکتور یوشنچنکو
رئیس جمهوری اوکراین
از سمت خود خلع شد
بعد از برگزاری انتخابات
با کسب ۲۹ درصد آرا مقام دوم
را به خود اختصاص داد.



گروه یوشنچنکو کاسته می‌شود. بر اساس تغییرات به وجود آمده در قانون اساسی گروهی که در انتخابات پارلمانی اکثریت را کسب کند، می‌تواند به جز سمت های وزیر امور خارجه، وزیر

دفاع و رئیس شورای امنیت ملی، بقیه سمت های کابینه از جمله سمت نخست وزیری را در اختیار خود بگیرد. تیموشنکو تأکید کرده است تنها اوست که از اهداف انقلاب نارنجی پاسداری می‌کند نه یوشنچنکو. منتقدان می‌گویند دخالت های تیموشنکو در اقتصاد این کشور که زمانی جزء بلوک شرق بوده، بسیاری از سرمایه گذاران را از اوکراین رانده و در بخش هایی از جمله شکر، گوشت و سوخت بحران ایجاد کرده است. اما تیموشنکو تأکید دارد تمام اتهاماتی که علیه وی مطرح شده از فساد مالی گرفته تا همراه شدن با گروه های خاص تجاری، همگی چرندیات است. او می‌گوید: مهم ترین چیز این است که همه می‌دانند دولت حتی یک پول سیاه هم نبرده است.

او بر خلاف ظاهر بسیار زنانه و روستایی خود رفتاری کاملاً مردانه در سیاست پیشه کرده است. در زمان تظاهرات برای تهییج معترضین و نگاه داشتن شبانه روزی آنها از هیچ کاری حتی رفتن روی سقف اتوبوس دریغ نکرد. تیموشنکو در اوکراین چهره ای بسیار جنجالی است. مواضع تند و شیوه گفتارش نقش مهمی در برانگیختن سیل مخالفت ها علیه او داشته است. به طوری که باعث نگرانی حامی اصلی اش ویکتور یوشنچنکو نیز شد. وی در زمان انقلاب لئونید کوچما را خروس جنگی موقر مز خطاب کرد و به هواداران یانو کوویچ پیشنهاد کرد تا خودشان را با پرچم های آبی و سفیدی که در حمایت از وی به دست گرفته اند حلق آویز کنند. تیموشنکو که اواسط دهه ۹۰ با تشکیل حزب هر و مادای وارد دنیای سیاست شد در سال ۱۹۶۰ در شهر دنیروفسک در شرق اوکراین به دنیا آمد. در رشته اقتصاد تحصیل کرد و در اواخر دهه ۱۹۸۰ یکی از اولین شرکت های زنجیره ای را در دوران گورباچف به راه انداخت.

از طریق آشنایی با پائولا لازارانکو نخست وزیر اوکراین در سال ۱۹۹۶ شرکتی تأسیس کرد که با سیاست سیستم یکپارچه انرژی توانست موفقیت بسیاری را کسب کند و کنترل ۲۰ درصد از تولید ناخالص داخلی اوکراین را به دست آورد. موفقیتی که کم و بیش عاملی شد برای متهم شدن به فساد مالی و به همین دلیل در زمان نخست وزیری لئونید کوچما ۴۲ روز را در زندان گذراند. اما با پیدا نشدن هیچ مدرک و شاهی برای اثبات اتهام علیه او آزاد شد. دولت روسیه از سرسخت ترین مخالفان تیموشنکو است که پرونده فساد مالی و پولشویی او را تعقیب می‌کند. ظاهراً همین اتهامات باعث خدشه دار شدن محبوبیت او در میان مردم اوکراین شده است. با این حال وی به مخالفت خود با لئونید کوچما

همچنان ادامه می دهد. چرا که در سال ۲۰۰۱ در پی اعتراض به قتل یک روزنامه نگار مخالف وارد تظاهرات خیابانی علیه کوچما شد. تاجایی که به خاطر همین مخالفت ها در یک تصادف مرموز نزدیک بود کشته شود. اما در طول انتخابات او همچنان در مقام رهبر مخالفان ظاهر شد.

همزمان با چهل و پنجمین سالگرد تولد یولیا تیموشنکو "نخست وزیر سابق اوکراین، وی با رسوایی مالی دیگری روبه رو شد. گزارش ها و اخبار منتشره در مورد رسوایی مالی یولیا تیموشنکو در بجهوه انتخابات اوکراین شدت گرفت. پایگاه اینترنتی "پرودا" گزارش داد: "با نزدیک شدن به زمان برگزاری انتخابات پارلمانی در اوکراین و سالروز تولد یولیا تیموشنکو" پرنسس نارنجی اوکراین، مردم این کشور کارت پستالی را دریافت کردند که آرم حزب سیاسی تیموشنکو (BTY) همراه با آرم تجاری رستوران زنجیره ای "مک دونالد" بر روی آن قرار داشت و در ضمیمه این کارت عنوان شده بود که شخص ارائه دهنده این کارت از تخفیف ویژه این رستوران برخوردار خواهد شد. "از سوی دیگر مدیران این رستوران زنجیره ای در اوکراین در بیانیه ای اعلام کردند که این شرکت هیچ گونه رابطه ای با نخست وزیری سابق این کشور ندارد و این رستوران به هیچ مشتری تخفیف نمی دهد. به گفته کارشناسان سیاسی با در نظر گرفتن برگزاری انتخابات این کشور در ۲۶ مارس سال جاری میلادی، می توان گفت که این مسأله به چهره تیموشنکو که یکی از مدعیان پیروزی است، خدشه وارد می کند. به گفته آنان صحبت های مدیران مک دونالد تأثیری بر کاهش اثرات این شایعه نخواهد داشت و این مسأله اثرات مخرب خود را بر جای گذاشته است.

یولیا تیموشنکو که توسط ویکتور یوشچنکو رئیس جمهوری اوکراین از سمت خود خلع شد، بعد از برگزاری انتخابات با کسب ۲۹ درصد آرا مقام دوم را به خود اختصاص داد.

تانسو چیلر

تانسو چیلر اولین زنی است که در ترکیه به سمت نخست وزیری برگزیده شد. این بانوی اقتصاد دان و سیاستمدار در استانبول به دنیا آمد و دارای مدرک دکترا از دانشگاه کنتیکت آمریکا است. تانسو چیلر سال های متعددی را به عنوان استاد دانشگاه پشت سر گذارند و در نهایت در سال ۱۹۹۰ فعالیت سیاسی خود را با پیوستن به حزب راه واقعی آغاز کرد. سپس در سال ۱۹۹۱ در انتخابات پارلمانی به عنوان نماینده استانبول برگزیده شد و در دولت سلیمان دمیرل به عنوان

وزیر امور اقتصادی فعالیت نمود. پس از آن در سال ۱۹۹۳ کرسی رهبری حزب راه را بدست آورد. بعد از استعفای نجم الدین اربکان رهبر حزب رفاه ترکیه از سمت نخست وزیری،



○ هیلاری طرفدار
نیروی نظامی است
و اعتقاد دارد که نیروی نظامی
باید در امور خارجه از قابلیت و
توانایی بالایی برخوردار باشد.
همچنین با پورنوگرافی
و خشونت مبارزه می کند.



سلیمان دمیرل رئیس جمهوری ترکیه تانسو چیلر رهبر حزب راست که با "اربان" دولت ترکیه را تشکیل داده بودند به جانشینی او برگزیده. تانسو

چیلر از سال ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۵ نخست وزیر ترکیه بود. وی در طول مدت نخست وزیری خود برای آزادسازی اقتصاد ترکیه و تحقق حقوق و آزادی های فردی مردم تلاش بسیار زیادی کرد.

هیلاری کلینتون

هیلاری در فضای امن یک خانواده سفید پوست در منطقه پروتستان نشین پارک ریج در ایلیونیز ایالات متحده بزرگ شده است. از لحاظ مالی مشکلی ندارد زنی کوشا و پرکار و میانه روی مؤثر است که می تواند با محافظه کارترین جمهوری خواهان نیز به تعامل برسد. او طرفدار نیروی نظامی است و اعتقاد دارد که نیروی نظامی باید در امور خارجه از قابلیت و توانایی بالایی برخوردار باشد. همچنین با پورنوگرافی و خشونت مبارزه می کند. با اینکه مستقل از شوهر خویش است اما برای تأهل ارزش زیادی قائل است. لذا در بدترین شرایط رسوایی آور کلینتون نیز در کنار شوهر خویش باقی ماند که البته به زعم بعضی از سیاستمداران این کار علاوه بر دلایل شخصی دارای دلایل سیاسی نیز بود. چرا که بیل کلینتون می تواند مشاور بسیار خوبی برای وی باشد. چرا که وی قرار است در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۸ کاندیدا شود.

هم اکنون فهرست زنانی که در حال حاضر در راس قدرت جهان هستند، به شرح زیر است: در فیلیپین گلوریا آرويو ماه ژانویه سال ۲۰۰۱ جانشین ژوزف استرادا شد.

در فنلاند؛ تاریا هالونن ماه فوریه سال ۲۰۰۰ نخستین زن رئیس جمهوری فنلاند شد و در انتخابات سال ۲۰۰۶ دوباره برنده شد. در ایرلند؛ ماری مک آلیس پس از پیروزی در انتخابات اکتبر سال ۱۹۹۷ رئیس جمهوری شد. وی یکم اکتبر سال ۲۰۰۴ مجدداً به عنوان رئیس جمهوری انتخاب شد.

در لتونی؛ واریا ویکه فریبرگا اولین زن رئیس جمهوری اروپای شرقی جولای سال ۱۹۹۹ به ریاست جمهوری برگزیده شد. در آلمان؛ آنجلا مرکل ماه نوامبر ۲۰۰۵ به عنوان صدراعظم جمهوری فدرال آلمان انتخاب شد.

در نیوزلند، هلن کلارک ماه دسامبر سال ۱۹۹۹ به عنوان اولین زن در راس دولت نیوزلند قرار گرفت. در بنگلادش؛ بگوم خالده ضیاء اولین زن نخست وزیر بنگلادش از سال ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۶ رهبری این کشور را برعهده گرفت و بار دیگر این کشور مسلمان را در اکتبر سال ۲۰۰۱ رهبری کرد و در سانتوتومه ماریو کارمو سیلویرا ماه ژوئن سال ۲۰۰۵ به عنوان نخست وزیر انتخاب شد.